

# حافظ نوپرداز

رفتار گفتار درباره حافظ

تألیف

دکتر سید جعفر حبیبی

تهران - ۱۳۹۳

|                     |                                                                 |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------|
| شناسه               | : حمیدی، سیدجعفر، ۱۳۱۵ -                                        |
| عنوان و نام‌پدیدآور | حافظ نوپرداز هفت گفتار دربارهٔ حافظ / تألیف دکتر سیدجعفر حمیدی. |
| مشخصات نشر          | : تهران: نشر لیا، ۱۳۹۳.                                         |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۴۴ ص. ۱۴/۵ × ۱۷/۵ م.م.                                       |
| شابک                | : ۰ - ۴۱ - ۸۶۰۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸                                     |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا                                                          |
| یادداشت             | : کتابنامه                                                      |
| موضوع               | : حافظ، شمس‌الدین، محمد، - ۷۹۲ق. -- سرگذشتنامه                  |
| موضوع               | : شعر فارسی -- قرن ۸ق.                                          |
| رده‌بندی کنگره      | : ۱۳۹۳ ح۷۷ج/PIR۵۴۳۵                                             |
| رده‌بندی دیوپی      | : ۸۶۱/۳۲                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۴۷۲۹۲۸                                                       |

## حافظ نوپرداز

تألیف دکتر سیدجعفر حمیدی

شمارگان: ۱۰۰۰ دفتر

چاپ اول: ۱۳۹۳

حروفچینی: گنجینه

چاپ: علوی

صحافی: مینو

انتشارات لیا

تهران - سعادت‌آباد - خیابان ارغوان شرقی - کوی مروارید - خیابان شمس ۲ -

پلاک ۱۰ - تلفن: ۸۸۵۶۰۴۸۹ - ۸۸۶۸۵۷۷۴ تلفن همراه: ۰۹۱۳۲۱۱۶۸۳۳

شابک ۰ - ۴۱ - ۸۶۰۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ۰ - ۴۱ - ۸۶۰۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 8608 - 41 - 0

بها: ۷۵۰۰ تومان

## فهرست

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۵   | بندمه                                        |
| ۱۱  | بخش اول - زندگی امه حافظ                     |
| ۵۶  | نتیجه و خلاصه                                |
| ۵۹  | مآخذ و منابع بخش اول                         |
| ۶۱  | بخش دوم - هفت گفتار                          |
| ۶۳  | گفتار اول - حافظ شاعر                        |
| ۷۵  | گفتار دوم - حافظ عارف                        |
| ۸۸  | گفتار سوم - حافظ قرآن                        |
| ۹۸  | گفتار چهارم - حافظ رند                       |
| ۱۱۳ | گفتار پنجم - حافظ نوپرداز                    |
| ۱۲۰ | گفتار ششم - حافظ خوش لهجه                    |
| ۱۲۰ | گفتار هفتم - تأثیر پذیری حافظ از ساقی و زاهد |
| ۱۴۰ | نتیجه                                        |
| ۱۴۳ | مآخذ و منابع بخش دوم                         |

## مقدمه

حالی، شاعر الدین محمد (۷۲۶ - ۷۹۱ هـ. ق.) هم شاعر بوده است، هم عالم و هم قاضی خوان، هم رند و زیرک و هشیار که زهد و ریای خشک و بی‌سرریزی سنی را بر نمی‌تابیده و برزاهدان ریایی و متظاهر، سخت تاخته است. علاوه بر این هنرها، او زبانی نو و بیانی تازه و زیبا داشته که با شنیدنش شکی در وجود و طغیان علیه نرم‌های متداول زبان، در محدوده زمان و فضا سرخوش به‌نوآوری پرداخته، چنانکه تا امروز نیز زبان حافظ طراوت و زنگ خود را حفظ کرده است. هنر دیگر حافظ، خوش لهجه بودن وی و بیان افکار خود با بیانی شیرین و کلامی متین بوده و چنان که گفته خواهد شد اشعار خود را مثلاً در مجلس شاه شجاع با لحنی دلنشین عربی می‌داشته است.

دیگر آنکه حافظ با زبان طنزگونه خود بدان هنر والا دست یافته بود که بتواند نقاب از چهره گروهی براندازد و برچهره گروهی دیگر نقابی تازه بزند. نگاه تیزبین و اندیشه بلند و کلام برنده او تصویرگر عهد و زمانی بوده که در آن می‌زیسته است. گاهی چهره ظاهر فریبان

و عهد شکنان و متظاهران را برملا ساخته و زمانی به تطهیر و تقدیس راندگان بارگاه آن فریبکاران می پرداخته است چنانکه در بیشتر اشعار خود بر صوفیان ربایی تاخته و طبیعت آنها را آشکار ساخته در حالی که نقاب تازه ای بر چهره ساقیان زده و آنان را از زنگار ناسزاها رهایی داده است. امروز شمس الدین محمد حافظ را با شعرش می شناسند و از شعرش به افکار بلندش پی می برند. اندیشه های متبلور در شعر حافظ ابهام و ابهام گون دریای فکرش را بازگو می نمایند، اما ابعاد مخفی حیاتش در هاله ای از ابهام باقی مانده و در اشعارش نیز به زندگی و حیات خود، کمتر اشاراتی نموده است. شاید این مسأله نیز از جمله رازهای باشد که در شعرش نهان گشته است. حافظ چون می دانسته که (دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خواند) ابتدا دیو نفس را از خود دور ساخته و آنگاه پاک و مجرد به قرآن روی آورده، رمز و رازها و اسرار بلندش را درک کرده و به یمن این کتاب عظیم، برکتی عظیم یافته است.

رندی حافظ، معیار دیگری برای درک و فهم ارزش های موجود در جامعه عصر او است. او از کنار نمایان بارش و نازیبای زمان خود، نه تنها بی تفاوت نگذشته، بلکه نسبت به آن مسأله اساس نیز بوده است. کج روی ها را تحمل نمی کرده، زهد فروشی ها را عوام فریبی ها را نمی پذیرفته و با متظاهران و نان به نرخ روز خورها به شکست برخورد داشته و تازیانه شعر و زبان خود را بارها بر پیکر نارسای آنها فرود آورده است.

رندی حافظ، رندی عوام نیست. بی باکی و جسارت عارفانه ای

است که به شدت، به آن تکیه کرده و در پناهش، سخنان سخت و تند خود را در شعر بیان کرده است. حافظ برای رسیدن به هدف خود هیچ ترس و خوفی نداشته است، زیرا می دانسته که:

در طریق عشق بازی، امن و آسایش بلاست

ریش باد آن دل که باد درد تو خواهد مرهمی

اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست

رهروی باید جهان سوزی، نه خامی، بی غمی

حافظ، اهل نظر است، نه اهل ریا، و اهل نظر، دو عالم را در یک

نظر می بازاند و در میان جانان، جان و سر می گذارند و بر رهگذر

دوست، از جویبار چشم می پاشند تا غبار راه بردامن دوست

ننشیند. یا غبار راه او را به دگر باد صبا نگه می دارند. او در کمال

آزادگی، آرزو دارد و دعا می کند که از آن ندیشه اش را از مکر و کید و

زرق و شید برهاند تا نحوست این مخاطرات و خطرات، حیات او را

تیره و تار نسازند.

حافظ به حق قرآن، کز شید و زرق بازای

باشد که گوی عیشی در این جهان توان زد

عرفان حافظ، عرفان خالص و بی ریا است. اگر چه بعضی از

محققان در افکار عرفانی حافظ، تردید کرده اند و او را به جای ناسی

یک عرفان شناس می دانند، ولی در اصول معرفت، کم و کاستی ندارد.

زیرا پیدا است که تمام وادی های عرفان را طی کرده و به مرحله کمال

رسیده است. وادی های طلب و عشق و معرفت و غنا، بعد توحید و

حیرت و فنا را در نور دیده و به مقامی رسیده است که می رسد.

درد عشقی کشیده‌ام که می‌رس زهر هجری چشیده‌ام که می‌رس  
بی‌تو در کلبه گدایی خویش رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌رس  
همچو حافظ غریب در ره عشق به مقامی رسیده‌ام که می‌رس<sup>۱</sup>

شاعری حافظ نیز به کمال است و کمتر محقق و منتقدی نسبت به شعر او و استادی و مهارت او، تردید نشان داده است. زیرا حافظ با مطالعه دقیق همه دیوان‌های شاعران پیش از خود و معاصر خود به تمام ریز و رمزهای سخن تسلط یافته بود. علاوه بر این، آگاهی و اطلاع او از قرآن و قدرت بیان شعر، ورود و خروج از مضایق و تنگناهای سخن را برایش آسان ساخته بود.

از طرز غزل، نکهت‌ها آموخته<sup>۲</sup> و از چشمه حکمت، آبی به کف آورده<sup>۳</sup> بود، و به همین دلیل بود که شعر حافظ، در زمان حیاتش در افواه افتاده و آوازه سخن عارف و پارس را گرفته بود. عراق و پارس گرفتگی به شعر خود حافظ

بیا که نوب بغداد و وقت تبریز است<sup>۴</sup>

و سخنش به آنجا رسید که:

در آسمان نه عجب، گر، به گفته حافظ

سماع زهره به در رخسار<sup>۵</sup>

و

۱. جلالی نائینی و نذیر احمد، دیوان حافظ، ص ۳۵۶

۲. همان کتاب ص ۱۱۱. ۳. همان، ص ۴۰.

۴. همان، ص ۲۳. ۵. همان، ص ۱۳.

چون صبا گفته حافظ بشنید از بلبل

عنبر افشان به تماشای ریاحین آمد<sup>۱</sup>

و بدان گونه که در شعر بعضی از شاعران ابیات سست و سخیف یافت می‌شود، در اشعار حافظ از این گونه ابیات، به‌ندرت دیده می‌شود.

هنر ارجمند حافظ، بیان افکار خود به زبان روز و نو است، هنری که پس از گذشت نزدیک به هفت قرن هنوز زبان این شاعر بلند آشیان، تری و آسانی دارد را حفظ کرده و چنان می‌نماید که این ابیات برای ما و در زمانی نزدیک به همان ما سروده شده‌اند. به‌ویژه ساخت پردازی و دیگر سازی‌های هنری که در مرگ و جان اشعار او به فراوانی حضور یافته‌اند نوید دهنده آن است که گذشت قرون، از زیبایی و طراوت آنها نکاسته بل که به‌رسایی آنها افزوده است. حتی برای دنیای امروز ما هم هنوز نو و تازه‌اند. حافظ نه تنها زبان از نوگرایی و نوگفتاری برخوردار است. خوش لهجه و خوش بیان و حتی خوش آواز بودن حافظ هم از جمله هنرهای دلپذیر و فنانا پذیرا به شمار می‌روند.

هنر دیگر حافظ، تعدیل واژه‌ها و تغییر طبع و طبیعت نام‌ها بوده که به راحتی و آسانی از عهده این کار برآمده و توانسته به همان مردم زمانه خود بفهماند که همه انسان‌ها بداندیش و بدآموز نیستند و حتی موجودی به نام ساقی که از دید تنگ‌نظران عصر، از منفورترین آدم‌ها بوده است از صافی ذهن و سخن بگذراند و از او وجودی پاکیزه خو و پاکیزه نام بسازد و حتی او را مرشد و مراد خود بداند. بنابراین وجود

حافظ که مجموعه‌ای از هنر و دانش روزگار خود بوده برای جهان نیز افتخاری ابدی و همیشگی خواهد بود. اگر چه حافظ از هنرهای بی‌نهایت برخوردار بوده اما در اینجا هفت هنر از هنرهای وی بازگو و بررسی شده است. شاعری، معرفت، قرآن خوانی، رندی، نوگفتاری، پیش لهجه بودن و ساقی شناسی. اما لازم می‌آید که پیش از بیان این هنرها به زندگی، تحصیلات، استادان، خانواده، دوران حیات و سفرها و او را اجمال سخنانی به میان آید.